

۱۲۴ - صلح عمومی و تقلیل عساکر و نسخ آلات حرب

و قوله الاعلی: " باید وزراء بیت عدل صلح اکبر را اجرا نمایند تا عالم از مصاریف باهظه فارغ و آزاد شود این فقره لازم و واجب چه که محاربهٔ اَسّ زحمت و مشقت است "

و در سورة الملوک خطاب بملوک است قوله الاعلی: " اسلکوا سبیل العدل و انه لسبیل مستقیم اصلحوا ذات بینکم و قللوا فی العساکر لیکلّ مصارفکم و تكوننّ من المستریحین و ان ترتفعوا الاختلاف بینکم لن تحتاجوا الی کثرة الجیوش الا علی قدر الذی تحرسون به بلدانکم و ممالکم اتقوا الله و لا تسرفوا فی شی و لا تكوننّ من المسرفین و علّمنا بانکم تزدادون فی مصارفکم فی کلّ یوم و تحملونها علی الرعیة و هذا فوق طاقتهم و انّ هذا لظلم عظیم "

و قوله الاعلی: " از حقّ جلّ جلاله سائل و آمل که مشارق ثروت و اقتدار و مطالع عزّت و اختیار یعنی ملوک ارض آیدهم الله را بر صلح اکبر تأیید فرماید این است سبب اعظم از برای راحت امم سلاطین آفاق و ققهم الله باید باتفاق باین امر که سبب اعظم است از برای حفظ عالم تمسک فرمایند امید آنکه قیام نمایند بر آنچه سبب آسایش عباد است باید مجلسی بزرگ ترتیب دهند و حضرات ملوک و یا وزراء در آن مجلس حاضر شوند و حکم اتحاد و اتفاق را جاری فرمایند و از سلاح باصلاح توجّه کنند اگر سلطانی برخیزد سلاطین دیگر بر منع او قیام نمایند در این صورت عساکر و آلات و ادوات حرب لازم نه الا علی قدر مقدور لحفظ بلادهم احسن و اولی آنکه در آن مجلس خود سلاطین عظام حاضر شوند و حکم فرمایند و هر یک از سلاطین که بر این امر و اجرای آن قیام فرماید او سید سلاطین است عند الله طوبی له و نعیماً له "

و قوله الاعظم الاکرم: " ای اهل ثروت و قدرت حال که سحاب شده اید و عالم و اهل آنرا از اشراقات انوار آفتاب عدل و فیوضات لا تحصی منع نموده اید و راحت کبری را مشقت دانسته اید و نعمت عظمی را نعمت شمرده اید اقللاً و صایای مشفقانهٔ جمال احدیّه را در اموری که سبب نظم مملکت و آسایش رعیت است اصفا نمایند در هر سینه بر مصارف خود میافزائید و آنرا حمل بر رعیت مینمائید و این بغایت از عدل و انصاف دور است این نیست مگر بسبب اریاح نفسانیّه که ما بین در هبوب و مرور است و تسکین آن ممکن نه مگر

بصلح محکم که سبب اعظم است برای استحکام اصول اینیه ملت و مملکت " چاره اکنون آب روغن کردنی است " صلح و اتحاد کلیه که دست نداد باید باین صلح اصلاح شود تا مرض عالم فی الجملة تخفیف یابد صلح ملوک سبب راحت رعیت و اهل مملکت بوده و خواهد بود در این صورت محتاج بعساکر و مهمات نیستند الا علی قدر یحفظون بها بلدانهم و ممالککم و بعد از تحقق این امر مصروف قلیل و رعیت آسوده و خود مستریح میشوند و اگر بعد از صلح مملکتی بر مملکتی بر خیزد بر سایر ملوک لازم که متحداً او را منع نمایند عجب است که تا حال باین امر نپرداخته اند اگر چه بعضی را شوکت سلطنت و کثرت عساکر مانع است از قبول این صلح که سبب آسایش کل است و این وهم صرف بوده و خواهد بود که شوکت انسان و عزت او بما یلیق له بوده نه باسباب ظاهره اهل بصر حاکم را محکوم مشاهده نمایند و غنی را فقیر و قوی را ضعیف می‌شمرند در حکام ملاحظه نمائید که حکومت و ثروت و قوت ایشان بر رعیت منوط و معلق است لذا نزد صاحبان بصر این امور بر قدر ایشان بیفزاید جوهر انسانیّت در شخص انسان مستور باید به صیقل تربیت ظاهر شود این است شأن انسان و آنچه معلق بغیر شد دخلی بذات انسانی نداشته و ندارد لذا باید بقلّت و کثرت و شوکت و عظمت ظاهره ناظر نباشند و بصلح اکبر پردازند سلاطین مظاهر قدرت الهیه اند بسیار حیف است که امثال آن نفوس عزیزه حمل امور ثقیله نمایند اگر فی الحقیقه زمام امور را بید نفوس مطمئنّه امینه عاقله بگذارند خود را فارغ و آسوده مشاهده نمایند طوبی از برای سلطانی که لنصرة الله و اظهار امره قیام نماید و عالم را بنور عدل روشن سازد بر کلّ من علی الارض حبّ او و ذکر خیر او لازم است هذا ما جرى القلم من لدن مالک القدم نسال الله بأن یوقّق الامم بما ینفعهم و یعرفهم بما هو خیر لهم فی الدنیا و الآخرة و انه علی کلّ شیء قدير کذلک اشرفت شمس البیان من افق مشیّة ربکم الرحمن ان اقبلوا اليها و لا تتبعوا کلّ جاهل بعید "